جامعه هدف اشتباه دولت در اعطای یارانه آموزش عالی

*** یکی از اهداف مهم دولت‌ها در تامین مالی دانشگاه‌ها، موضوع توزیع عادلانه فرصت‌های تحصیلی است؛ اما در کشورمان مدل تامین مالی دانشگاه‌ها، نه‌تنها منجر به این اتفاق نشده است بلکه کاملا در جهت عکس آن عمل نموده است!**

مطالعات جهانی سیاست‌گذاری آموزش عالی نشان می‌دهد، دولت‌های مختلف با انگیزه‌ها و اهداف متفاوتی به تامین مالی آموزش عالی می‌پردازند. اما در بین این اهداف، مواردی دیده می‌شود که در بین همه مشترک است. یکی از این موارد بحث توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی و برقراری عدالت دسترسی به عنوان یک ارزش بنیادین است. این موضوع با هدف نهایی ایجاد فرصت‌های برابر برای افراد مختلف جامعه و ایجاد تحرک طبقات اجتماعی و توزیع منطقی درآمد و ثروت می‌گردد.

شکی نیست که بخش مهمی از این عدالت دسترسی ریشه در نظام آموزش و پرورش دارد و اگر فرد بتواند به یک آموزش ابتدایی و متوسطه باکیفیت و رایگان دسترسی پیدا کند شانس ادامه تحصیل وی در مقاطع بالاتر تحصیلی بالا می‌رود. متاسفانه در کشور ما این عدالت دسترسی در حوزه آموزش و پرورش به شدت دچار مشکل است و بسیاری از مستعدین کم‌بضاعت به آموزش باکیفیت دسترسی ندارند و حتی وزارت آموزش و پرورش در حال خشکاندن معدود معبرهای تحصیل ارزان مستعدین کم بضاعت (مدارس نمونه‌دولتی و سمپاد) نیز هست. عدم دسترسی به آموزش باکیفیت، همچنین برابر نبودن دسترسی به منابع کمک‌آموزشی کنکور، سبب می‌شود بخشی قابل توجهی از مستعدین کم‌بضاعت به دانشگاه‌های باکیفیت دولتی راه نیابند و بقیه یا کاملا قید دانشگاه را بزنند(چون امکان قبولی در دانشگاه رایگان و همچنین توان تامین هزینه‌های دانشگاه شهریه‌ای را ندارند) یا تحصیل در دانشگاه‌های کم‌کیفیت و البته شهریه‌ای را برگزینند و بار مالی مضاعفی بر خانواده آن‌ها تحمیل شود.

اما نکته مهم این است که فارغ از میزان دسترسی دانش‌آموزان به آموزش رایگان و باکیفیت در مدارس، نظام آموزش عالی کشور مدلی از تامین هزینه‌های دانشگاه‌ها را انتخاب کرده است که نه‌تنها بی‌عدالتی دسترسی به آموزش در نظام آموزش و پرورش را جبران نمی‌کند بلکه کاملا به تشدید این توزیع نامناسب فرصت‌ها کمک می‌نماید. بدون تردید منابع محدود دولتی امکان تامین هزینه‌های تحصیل رایگان همه متقاضیان آموزش عالی در کشور را از بین برده است اما همین منابع محدود می‌تواند با سازوکار بهتر و در یک جامعه هدف درست، توزیع گردد و اهداف کشور را محقق سازد.

بررسی آماری میزان دستیابی اقشار مختلف مردم به این یارانه نشان می‌دهد که میزان دسترسی متقاضیان آموزش عالی به این یارانه بسیار اندک است. در حال حاضر نرخ ثبت نام در آموزش عالی عددی در حدود ۵۰ درصد است. به عبارت دیگر تنها نیمی از جمعیت جوان ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور متقاضی ورود به دانشگاه هستند. بدون تردید بخشی از این افراد به دلیل عدم دسترسی به آموزش ابتدایی و متوسطه با کیفیت و عدم توانایی در هزینه‌های تحصیل از آموزش بازمانده‌اند. در بین متقاضیان آموزش عالی به گفته معاون آموزشی وزیر علوم تنها ۱۵ درصد از دانشجویان به صورت رایگان تحصیل می‌کنند و بقیه ۸۵ درصد دانشجویان با دادن شهریه خود تحصیل می‌کنند. در واقع در مقیاس کل کشور بخش بسیار کوچکی از مردم به آموزش عالی رایگان دسترسی دارند. به نقل از عیارآنلاین؛ نکته قابل توجه اینجاست که همین تعداد بسیار کم استفاده‌کنندگان از یارانه دولتی آموزش عالی هم عمدتا اقشار برخوردار جامعه هستند. برای اثبات این ادعا می‌توان شواهد مختلفی را بیان کرد مثلا به گفته معاون وزیر رفاه و تعاون اجتماعی در حال حاضر ۶۰ درصد پذیرفته‌شدگان در دو دانشگاه دولتی شهر تهران متعلق به سه دهک بالای درآمدی جامعه هستند. نکته قابل توجه دیگر این است که حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه تحصیل ۱۵ درصد دانشجوی شاغل در دانشگاه‌های دولتی است و عددی که در دانشگاه‌های خصوصی هزینه می‌شود نیز بین هشت تا ۱۰ هزار میلیارد تومان است. یعنی سرانه هر دانشجوی دولتی چیزی در حدود ۶ برابر سرانه یک دانشجوی شاغل در دانشگاه‌های شهریه‌ای است و به همین نسبت کیفیت پایین‌تری در این مدارس محقق می‌شود!

بنابراین در جمع‌بندی آمار گفته شده در بخش قبل می‌توان دو مشکل اساسی در نظام تامین مالی دانشگاه‌ها از بعد عدالت دسترسی را اثبات نمود. اولا اینکه این بودجه صرف بخش بسیار کوچکی از متقاضیان می‌شود ثانیا جامعه هدف انتخاب شده جامعه هدف مناسبی نیست و بخش زیادی از یارانه دولت صرف قشر برخوردار جامعه می‌شود. همچنین عده‌ای از اقشار کم‌توان جامعه همزمان دوبار هزینه آموزش عالی را می‌دهند؛ یک بار در تامین هزینه فرزندانشان برای تحصیل در دانشگاه شهریه‌ای و یک بار با دادن مالیات و تامین بودجه تحصیل رایگان عده‌ای دیگر. با این وصف به نظر می‌رسد در حال حاضر کشور محتاج به انتخاب شیوه‌هایی است که دسترسی به آموزش با کیفیت برای هیچ انسان مستعدی در کشور با مشتقات همراه نباشد. توزیع هدفمند یارانه آموزش عالی در جامعه هدف صحیح و همچنین استفاده از منابع دولتی آموزش و منابع قرض الحسنه کشور برای تامین هزینه تحصیل مستعدان کم‌بضاعت از طریق وام فارغ‌التحصیلی و بازپس‌گیری این تسهیلات بعد از پیدا کردن شغل می‌تواند به تحقق این موضوع کمک نماید.

پیرامون حواشی به وجود آمده در شهرداری کرج

مبارزه با تخلفات علمی از حرف تا عمل!

در حالی که طی سال‌های اخیر کپی کاری و خرید پایان نامه‌های دانشجویی به یک رویه تقریبا معمول در میان دانشجویان تبدیل شده و آنها در عرض چند دقیقه هم قادر به خرید پایان نامه هستند؛ شنیده‌ها حاکی از آن است که مدرک عضو منتخب شورای شهر کرج برای تصدی پست شهرداری این کلانشهر به دلیل کپی بودن پایان نامه‌اش باطل شده است.

ماجرا از این قرار است که پس از فارغ‌التحصیلی این فرد از دانشگاه، نامه‌ای محرمانه از یکی از ارگان‌ها با محوریت کپی بودن موضوع پایان‌نامه فرد نامبرده به دانشگاه ارسال شده و این موضوع در کمیته تخصصی جهت بررسی مطرح شد.

براساس بررسی‌های اولیه در کمیته انضباطی و بدوی مشخص شد که موضوع پایان‌نامه گزینه منتخب شورای شهر، قبلاً تحت عنوان یک طرح در یکی از مناطق شهرداری کرج اجرایی شده است و بر همین اساس کمیته انضباطی مدرک دانشجوی نامبرده را باطل کرد.

ماجرای ابطال مدرک یک فارغ‌التحصیل در شرایطی که سالیانه پایان نامه‌های بسیاری کپی می‌شوند یا با هزینه‌های هنگفت خریداری می‌شوند جالب توجه است زیرا ابطال این مدرک اگرچه از سوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری انجام شده است، اما تشخیص کپی بودن پایان نامه این فرد از سوی یک نهاد نظارتی انجام شده و وزارت علوم در این زمینه دخالتی نداشته است.

*** ماجرای ابطال مدرک یک فارغ‌التحصیل در شرایطی که همه ساله پایان‌نامه‌های بسیاری کپی می‌شوند، جالب توجه است زیرا ابطال این مدرک اگرچه از سوی وزارت علوم انجام شد، اما تشخیص کپی بودن پایان‌نامه این فرد از سوی یک نهاد نظارتی صورت گرفت و وزارتخانه در این زمینه دخالتی نداشت!**

در واقع اگر بحث بازی‌های سیاسی و انگیزه‌های شخصی مطرح نبود شاید هیچگاه کپی بودن این پایان نامه مورد توجه قرار نمی‌گرفت و نامبرده نیز مثل تمام افرادی که با پایان نامه‌های کپی یا پایان‌نامه‌های خریداری شده صاحب شغل می‌شوند یا ارتقای شغلی می‌دهند و... مراتب شغلی خود را طی می‌کرد.

به نظر می‌رسد که این اقدام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بیش از آنکه در راستای کاهش یا توقف کپی کاری یا خرید پایان نامه و مقاله باشد اقدامی شبه سیاسی محسوب می‌شود زیرا طی سال‌های گذشته و با وجود کثرت پایان نامه‌های کپی شده یا خریداری شده شاهد چنین عکس‌العمل شدیدی نبودیم البته می‌توان به چند مورد تقریبا مشابه در این زمینه‌اشاره کرد.

از جمله اینکه در سال ۹۱ خبری از سوی رئیس‌پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات (ایران داک) منتشر شد مبنی یک پایان‌نامه جعلی و تکراری یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی در حوزه علوم انسانی کشف شده است و در همین راستا، مدرک این فارغ‌التحصیل از سوی دانشگاه مربوطه و وزارت علوم باطل شده است، پس از این مورد که رسانه‌ای شد و چند مورد انگشت شمار دیگر تاکنون شاهد عملکرد قاطع وزارت علوم در قبال دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان متقلب و کپی کار نبودیم.

به عبارت دیگر اگرچه اقدام به مبارزه با کپی کاری علمی و ابطال درجات تحصیلی متخلفین شایسته تقدیر است اما در نمونه بالا و ابطال پایان‌نامه کارشناسی ارشد گزینه قطعی شهرداری کرج هم اگر موضوع رقابت‌های سیاسی مطرح نبود این گزینه قطعی شورای شهر برای شهرداری به مسئولیت رسیده و به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد یعنی در این مورد خاص هم این وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نبود که عملکرد خوبی در راستای اجرای قوانینش داشته بلکه به نظر می‌رسد برخی نهادهای نظارتی در این زمینه عملکرد موفقی داشته‌اند.

البته طی سال‌های اخیر و با افزایش ارائه و دفاع از پایان‌نامه‌های کپی شده و یا خریداری شده مسئولان وزارت علوم بارها از قاطعیت در این زمینه و همچنین اجرای دقیق قانون در برخورد با دانشجویان متخلف صحبت کرده‌اند و اعلام کرده‌اند که سخت‌ترین مجازات‌ها در انتظار این دانشجویان است و مدرک آنها از سوی دانشگاه و وزارتخانه باطل می‌شود، اما در واقع جز چند ابطال مدرک انگشت شمار در این زمینه اقدامی جدی برای مقابله با کپی کاری در فضای دانشگاه‌های کشور انجام نشده است.

پیشنهاد می‌شود که شناسایی کپی کاری پایان‌نامه گزینه قطعی شهرداری کرج باید تلنگر محکمی باشد برای مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبنی بر اینکه این معضل در حال گسترش است و در صورتی که با آن به صورت جدی مقابله نشود شاهد رسوخ این مشکل در میان مسئولان ارشد کشور هم خواهیم بود.

به نقل از تابناک؛ در واقع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید به دنبال راهکاری برای کاهش یا توقف کپی کاری در پایان نامه‌های دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی به ویژه مقطع کارشناسی ارشد و دکتری باشد و در این راستا با جدیت کامل وارد عمل شود.

در این زمینه قوانین تقریبا جامع و مانعی وجود دارد و لایحه مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب سال گذشته قانون خوبی برای پیشگیری در این زمینه محسوب می‌شود ضمن اینکه کارشناسان هم معتقدند که شناسایی پایان نامه کپی شده اقدامی راحت است، اما مشکل اصلی در بی‌توجهی مسئولان این وزارتخانه در برخورد با متخلفان است بنابراین باید مسئولان این وزارتخانه برای حل این مشکل باید عزم خود را جزم کنند.

نابسامانی در چرتکه دانشگاهیان!

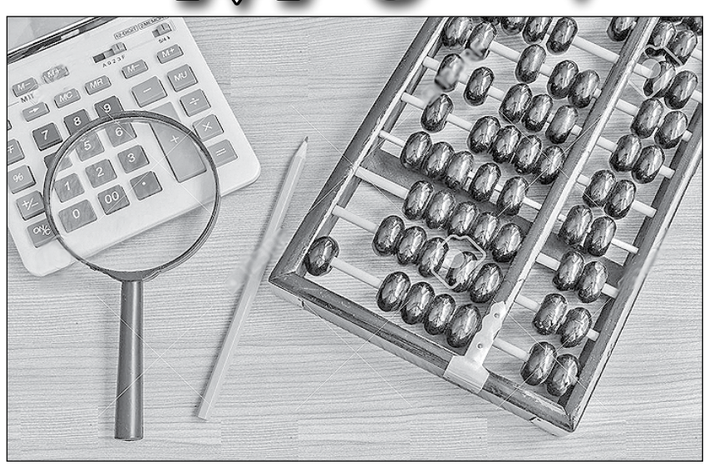

*** رشد ۲۰ درصدی بودجه دانشگاه‌های سراسری در سال جاری نسبت به سال گذشته درحالی مطرح می‌شود که در سال‌های قبل و با وجود رشد آرام نرخ تورم باز هم از سوی مسئولان دانشگاه‌ها و اساتید نسبت به بودجه ناچیز اختصاصی به دانشگاه‌های سراسری انتقاداتی وارد بوده است.**

چندی پیش خبری از سوی رئیس امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه منتشر شد که حکایت از رشد ۲۰ درصدی بودجه سال جاری دانشگاه‌های وزارت علوم نسبت به سال گذشته داشت؛ براساس این خبر، بودجه دانشگاه‌های سراسری در سال ۹۷ به ۷۷ هزار میلیارد ریال رسیده است.

اعلام بودجه ۷۷ هزار میلیارد ریالی از سوی سازمان برنامه و بودجه برای تأمین هزینه‌های یکسال دانشگاه‌های سراسری کشور در حالی منتشر می‌شود که بر اساس مفاد لایحه بودجه سال ۹۷، بودجه در نظر گرفته شده برای ۲۱ دانشگاه وابسته به وزارت علوم، ۵۳ هزار میلیارد و ۳۸۴ میلیون ریال است.

ناگفته نماند که رقم ۷۷ هزار میلیارد ریال بودجه اختصاصی در سال جاری مربوط به ۱۴۱ دانشگاه سراسری است، در واقع ۵۳ هزار میلیارد ریال برای ۲۱ دانشگاه است و ۱۲۰ دانشگاه دیگر تنها رقمی حدود ۲۴ هزار میلیارد ریال را به خود اختصاص می‌دهند.

مشاهده لیست بودجه‌های اختصاص یافته نشان می‌دهد که دانشگاه‌های معروف و مطرح کشور، بودجه‌های بیشتری را نسبت به سایر دانشگاه‌های سراسری به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان نمونه، بر اساس لایحه بودجه سال ۹۷، دانشگاه تهران نسبت به سایر دانشگاه‌های کشور بودجه بیشتری را به خود اختصاص داده است و بودجه این دانشگاه تقریبا دو برابر بودجه دانشگاه شهید بهشتی، تربیت مدرس و... است و دانشگاه‌های شهرستانی بودجه‌های کمتری از سازمان برنامه و بودجه دریافت می‌کنند.

اما فارغ از تفاوت چشمگیر در بودجه‌های اختصاص یافته به دانشگاه‌ها، سوالی که با مقایسه این آمار و ارقام و همچنین اظهارات رئیس امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه مبنی بر رشد۲۰ درصدی بودجه سال جاری دانشگاه‌ها مطرح می‌شود این است که آیا این افزایش بودجه در شرایطی که طی ماه‌های اخیر هزینه کالاها و خدمات در کشور رشد چشمگیری داشته، کافی است؟

رشد ۲۰ درصدی بودجه دانشگاه‌های سراسری در سال جاری نسبت به سال گذشته درحالی مطرح می‌شود که در سال‌های قبل و با وجود رشد آرام نرخ تورم باز هم از سوی مسئولان دانشگاه‌ها و اساتید نسبت به بودجه ناچیز اختصاصی به دانشگاه‌های سراسری انتقاداتی وارد بوده است و در سال جاری با وجود رشد چشمگیر قیمت‌ها آیا این افزایش ۲۰ درصدی منطقی است؟

اغلب مسئولان دانشگاه‌ها طی سال‌های گذشته بارها اعلام کرده‌اند که با ارقام اختصاصی نمی‌توان شاهد پیشرفت و رشد دانشگاه‌ها بود و چندی پیش هم رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر در گفت‌وگویی ضمن انتقاد از عدم اختصاص بودجه دانشگاه‌های سطح یک برای ارتقاء در سطح جهانی انتقاد کرد و گفت: متاسفانه بودجه دانشگاه‌های داخل کشور قابل مقایسه با دانشگاه‌های مشابه خارجی نیست ضمن اینکه با وجود قول‌هایی برای اختصاص ردیف اعتباری به دانشگاه‌های کشور، اما تاکنون این بودجه محقق نشده است.

در واقع بودجه اختصاص یافته به دانشگاه‌های کشور به ویژه دانشگاه‌های سطح یک طی سال‌های گذشته قابل توجه نبوده (اگرچه بودجه دانشگاه‌های شهرستانی نسبت به این دانشگاه‌ها هم کمتر بوده است) و مبلغ اختصاص یافته کمک چندانی به تحقق اهداف در نظر گرفته شده نمی‌کرده است.

در این میان استناد به رشد ۲۰ درصدی بودجه دانشگاه‌های دولتی در شرایطی است که بودجه دانشگاه‌های خارجی به هیچ عنوان قابل مقایسه با دانشگاهای داخل کشور نیست و رشد ۲۰ درصدی در بودجه در شرایطی که هزینه کالاها و خدمات در کشور طی ۴، ۵ ماه گذشته در برخی موارد به دو برابر رسیده است نمی‌تواند افزایش هزینه‌ها را پوشش دهد؛ ضمن اینکه در سال گذشته و با وجود رشد آرام قیمت‌ها بودجه اختصاصی همچنان ۱۰ تا ۲۰ درصد کمتر از رقم اختصاصی دانشگاه‌های سایر کشورها بوده است.

انتشار این آمارها جدا از اینکه نشان از ناکافی بودن بودجه‌های اختصاص یافته به دانشگاه‌های سطح یک کشور دارد گویای آن است که بودجه‌های مربوط به دانشگاه‌های شهرستانی هم بسیار کمتر از دانشگاه‌های کلانشهرهاست و باید در کاهش تبعیض بین دانشگاه‌ها تلاش کرد، اگرچه تخصیص بودجه براساس تعداد دانشجویان، رتبه علمی دانشگاه و... منطقی است، اما با این وجود باید درباره تخصیص بودجه به دانشگاه‌های شهرستانی هم توجه بیشتری شود.

ژن‌های خوب بدون کنکور پزشک می‌شوند!

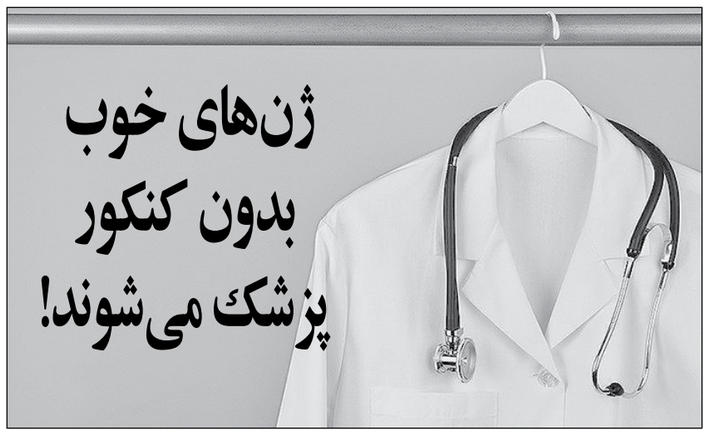

موضوع شرکت در کنکور و پذیرش در یک رشته خوب همیشه یک دغدغه مهم و بزرگ برای خانواده‌ها بوده و هست. در سال‌های اخیر هم تمایل به شرکت در رشته‌های تجربی و پزشکی بیشتر شده است و همین موضوع هم باعث ایجاد حواشی و بحث‌هایی در این‌باره بوده است.

شایعاتی از قبیل تقلب و فروش صندلی‌های دانشگاه که همیشه برای شرکت کنندگان در کنکور دلهره‌آور بوده است، اینکه کسی بتواند با پول ۶۰۰ هزار نفر را دور بزند و یک راست برسد به آخر داستان؛ حالا بحث جدیدی هم در این‌باره مطرح شده است و آن هم حضور ژن‌های خوب در دانشگاه‌های علوم پزشکی و تحصیل در رشته‌های پزشکی است.

طبق اظهارات مجید حسینی استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، فرزندان دیپلمات‌ها می‌توانند در دانشگاه‌های خارج از کشور بدون آزمون وارد و مشغول تحصیل شوند. همین افراد بعد از گذراندن ۳۶ واحد طبق توافق‌نامه‌ای که وزارت بهداشت با دانشگاه مبدا منعقد کرده است، مجاز هستند که تحت عنوان دانشجوی خارجی از دانشگاه‌های خارجی به یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران منتقل و بقیه تحصیل را در داخل کشور انجام دهند.

به گفته این استاد دانشگاه تهران؛ ژن‌های خوب با مبلغی در حدود هر ترم ۲۰ میلیون تومان یک صندلی پزشکی رااشغال می‌کنند؛ البته این مسئله درباره دانشجویان عادی هم صادق است. کسانی که از توانایی خوب مالی بهره‌مند هستند نیز می‌توانند به همین روش در یکی از دانشگاه‌های درجه چندم یکی از کشورهای همسایه و نهایتا قبرس پذیرش شوند و بعد از گذراندن این ۳۶ واحد تمام ۶۰۰ هزار نفر شرکت‌کننده در کنکور را دور بزنند و به عنوان مهمان ویژه در یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی داخل کشور مشغول به تحصیل در رشته پزشکی شوند. با این تفاوت که هزینه این افراد که از ژن‌های نیمه خوب هستند بالغ بر ترمی ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود که توسط وزارت بهداشت دریافت می‌شود.

البته آنچه شنیده می‌شود حاکی از آن است که قرار است این تفاهم‌نامه وزارت بهداشت شامل حال رشته دیگری نظیر داروسازی و دندانپزشکی هم بشود.

از طرفی نکته جالب آنکه این افراد برای تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور ارز دولتی هم دریافت می‌کنند که این در مجموع تعداد نفرات تحصیل‌کننده در این دانشگاه‌ها، عدد قابل توجهی خواهد بود.

فروش غیررسمی صندلی دانشگاه‌های برتر به دهک‌های پُر درآمد!

آموزش دانشگاهی به ظاهر رایگان در کشور ما، در واقعیت نه تنها رایگان نیست، بلکه خیلی بیشتر از چیزی که به فکر برسد هم پولی است. شاید شنیدن این خبر شما را هم متعجب کند، اما برای درک بهتر آن باید به لایه‌های زیرین کنکور نگاه کرد؛ جایی که هزینه‌های گزافی در آن در جریان هستند.

آن‌گونه که از پستوی اخبار به گوش می‌رسد، همه پانزده رتبه اول کنکور در مدارس غیردولتی و پولی تحصیل کرده‌اند؛ یعنی برای رسیدن به آموزشی که قرار بوده و هست رایگان باشد، چند صد میلیونی هزینه شده است؛ هزینه‌هایی که قبل از ورود دانشجو به دانشگاه دولتی و رایگان انجام می‌شود!

اتفاقی که با تحصیل رایگان فاصله‌های زیاد، اما نه چندان محسوسی دارد. نکته اصلی ماجرا هم همین است؛ اینکه مبالغ گزافی به صورت خیلی غیرعلنی و زیرپوستی صرف شده‌اند، جوری که همه فکر می‌کنیم آموزش دانشگاهی در ایران رایگان است و همه در رسیدن به بهترین دانشگاه‌ها شرایط یکسانی دارند.

اما چه چیزی پدران و مادران و دانش‌آموزان را راهی مدارس غیردولتی و پولی می‌کند؟ داشتن کادر مجرب، امکانات آموزشی و غیرآموزشی متعدد، رسیدگی به دانش‌آموز به صورت فردی، مهارت آموزی‌های متنوع به دانش‌آموزان و هزار و یک مزایای دیگر که برای هر کسی می‌توانند فریبنده باشند، که هر یک می‌توانند پاسخی به این سؤال باشند. پاسخ‌هایی که وقتی می‌بینیم در کارنامه هر یک از این مدارس غیرانتفاعی لیست بلند بالایی از دانش‌آموزانی قرار دارند که رتبه‌ها یک یا دو رقمی کنکور را به دست آورده اند، بسیار مجاب‌کننده به نظر می‌رسند.

به عبارت بهتر، با توجه به نتایجی که این مدارس می‌گیرند و دستچین رتبه‌های برتر کنکور، به نظر می‌رسد تبلیغاتشان پر بیراه هم نیست، ولی نکته چیز دیگری است؛ درحالیکه قرار است در رقابت کنکور عدالت برقرار باشد و همه در شرایطی یکسان به این ماراتن قدم بگذارند، با وجود امتیازهایی که پولی شدن آموزش به عده‌ای می‌دهد، کنکور به غیرعادلانه‌ترین میدان تبدیل شده است.

نکته‌ای که از آغاز راه‌اندازی این مدارس مورد توجه برخی قرار گرفت و مطرح شد؛ همان موقعی که مسئولان آموزش و پرورش سنگ این مدارس غیرانتفاعی را به سینه می‌زدند، خیلی‌ها فریاد

در حالی که قرار است در رقابت کنکور عدالت برقرار باشد و همه در شرایطی یکسان به این ماراتن قدم بگذارند، اکنون کنکور به غیرعادلانه‌ترین میدان تبدیل شده است! شاهد مثال این‌که، آن‌طور که از پستوی اخبار به گوش می‌رسد، همه پانزده رتبه اول کنکور در مدارس غیردولتی و پولی تحصیل کرده‌اند!

زدند که این ناعادلانه کردن آموزش است، ولی کسی به صدایشان گوش نسپرد تا امروز شاهد به ثمر نشستن این نابرابری در عرصه ورود به دانشگاه باشیم.

رسیدن به وضعیتی که پشت هر رتبه تک رقمی کنکور، هزینه هنگفتی خوابیده و پس هر درصد بالایی در کارنامه کنکور، تجارتی پنهان مانده است؛ تجارتی بسیار کلان، نه در حد و اندازه خرید چند کتاب کمک آموزشی و چند کلاس کنکور. اینجاست که باید لغت رایگان را از کنار آموزش و پرورش بردارند یا دست کم بنویسند آموزش رایگان برای کسانی است که قصد دانشگاه رفتن نداشته باشند؛ آن هم اگر توفیق یارشان باشد و مدرسه داشته باشند یا مدرسه شان، نیمکت و معلم و سقف داشته باشد!

وضعیتی که ثابت می‌کند، در حال حاضر پول مهم‌تر از هوش و استعداد است؛ یعنی دورانی که در آن دانش‌آموزان متوسط می‌توانند با بهره‌گیری از امکانات متنوع آموزشی در مدارس غیرانتفاعی رتبه‌های برتر کنکور را درو کنند، در حالی که دانش‌آموزان بهره‌مند از هوش و استعداد ممکن است در مدارس دولتی بمانند و دستشان از موفقیت در کنکور کوتاه شود یا بهره‌مندی‌شان اندک باشد.

وضعیتی که با توجه به اوضاع اقتصادی این روزها قطعا بدتر هم خواهد شد، چون طبقه‌های متوسط روز به روز فقیرتر می‌شوند، و با این حساب در سال‌های بعد فقط آن‌هایی رتبه‌های برتر کنکور را به دست می‌آورند و برترین موقعیت‌های آتی جامعه پیش رویشان قرار می‌گیرد که جیب والدینشان برای پرداخت هزینه‌های گزاف پر است؛ یعنی شکاف اقتصادی که این روزها همه را کلافه کرده است، به شکاف در سایر حوزه‌ها سرایت کرده، حتی بهره‌مندی از آموزش رایگان که قرار بود برای همه شرایطی یکسان داشته باشد.

آموزشی که نشانه‌های آشکاری وجود دارد که به ظاهر رایگان است، نه بیشتر. به نقل از تابناک؛ مسئله‌ای کلیدی که باید ریشه آن را در کنکور یافت که ظاهرا قرار نیست غزل خداحافظی را بخواند و برود. کنکوری که نه مهارت آموزی برای شرکت در آن به کلاس‌های درس مدارس دولتی راه یافته و نه با مطالعه کتاب‌های درسی می‌توان از پسش برآمد و عبور از آن مستلزم هزینه است و بس. هر چقدر بیشتر، موفقیت بیشتر!

یعنی دانشگاه‌های خوب و درجه یک که به ظاهر برای همه رایگان هستند، در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که در مرحله پیش از کنکور می‌توانند هزینه بیشتری صرف کنند. یعنی آموزش عالی کشورمان هم به وضعیتی دچار شده که برترین بخش هایش به افراد بهره‌مند می‌رسد و سهم کم درآمدها از آن، به هیچ نزدیک شده است؛ وضعیتی غیرقابل قبول، که عادی و طبیعی جلوه می‌کند؛ آن‌قدر طبیعی که هیچ کس به آن اعتراض نکرده و نمی‌کند!

قاب دانشگاه

تصاویری از مراسم بدرقه کاروان دانشجویان جهادگر دانشگاه تهران - مرداد ۱۳۹۷

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بیانیه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با مقولات دانشجویی استقبال می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر خود را به رایانامه **Daneshgah@Kayhan.ir** یا نمابر **۳۳۱۱۱۱۲۰-۰۲۱** ارسال نمایند. بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار متون ارسالی، آزاد است.